



بسم الله الرحمن الرحيم

فرع دوازدهم: قمار به شکل مجازی و غیر حضوری

فرع دوازدهم این است که اگر قمار و بردوباخت به اصطلاح امروز به شکل مجازی و غیر حضوری و اینترنتی یا از طریق این نوع وسائل انجام شود، حکم آن چیست؟ این فرض کم و بیش رواج یا تداول دارد که دو نفر در یکجا حضور ندارند بلکه باهم توافقی دارند و از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی و غیر واقعی برگزار می‌شود ظاهراً خیلی مسئله پیچیده‌ای نیست.

حکم مسئله

جواب این است که اشکال دارد و احتمال این که در قمار مثلاً حضور در مجلس واحد یا مواجه و امثال این‌ها شرط باشد، احتمالی است که وجهی برای آن نیست.

بنابراین به دلیل این که موضوع قمار همان لعب من الرهان است و اعم از این است که در مجلس واحد باشد، در دو مجلس باشند، با واسطه و ابزار باهم در ارتباط قرار بگیرد، یا بدان واسطه و ابزار باشد. این‌ها در آن تأثیری ندارد و به بیان دیگر همزمانی هم خیلی تأثیر ندارد؛ ممکن است که یکی امروز این بازی را انجام می‌دهد و طرف مقابل فردا بازی می‌کند، به هر حال مجموعه این‌ها یک بازی است و بر اساس توافق انجام می‌گیرد.

نکته

نکته‌ای که در فرع دوازدهم می‌خواهیم عرض کنیم این است که در صدق قمار و لعب من الرهان نه مجلس واحد بودن شرط است و نه در زمان واحد و متصل بودن شرط است. این دو سه نکته است که من در یک فرع جمع کردم؛ لازم نیست که مواجه واقعی به صورت حضوری بین این دو باشد و لذا می‌شود غیر حضوری و از طریق اینترنت و امثال این‌ها باشد و نه لازم است که مجلس واحدی باشد ممکن است در دو مجلس بنشینند. ولو حضوری، ولی دو مجلس است امروز یکی بازی می‌کند و فردا یکی دیگر و نه در زمان واحد بودن شرط است. این‌ها هیچ کدام شرط نیست و اطلاق ادله همه این قیود و فروض را شامل می‌شود. وجهی ندارد بگوییم باید در مجلس واحد باشد، دلیلی نیست بگوییم باید در زمان واحد باشد. حتی فاصله زیادی بین این‌ها اتفاق بیفتد ولی معلوم است یک بازی و یک توافق است و بردوباختی بین این دو انجام می‌شود، یکی امروز بازی می‌کند، یکی یک ماه دیگر بازی می‌کند. باز همین طور است و



نظیر این بازی‌ها که گاهی هست و فاصله‌های زیادی بین آن اتفاق می‌افتد و در آن تفاوتی نیست، این فروض هیچ فرقی نمی‌کند.

فرع سیزدهم: قمار با آلات مجازی و اینترنتی

این‌ها بنابراین است که بگوییم قمار لعب مع الرهان است و همه مشمول این هست اما اگر بگوییم بازی با آلات ولو رهان بردوباخت نباشد تابع این است، -اگر فرع جدا بگذاریم بهتر است- دو نوع می‌شود این هم فرع سیزدهم می‌شود آلات گاهی آلات واقعی و آلات حقیقی است و گاهی هم از طریق چیزهایی است که در کامپیوتر و اینترنت وجود دارد که آلات واقعی نیست بلکه یک نوع آلات مجازی و اینترنتی و از مقوله آی تی و این‌ها است، حکم این چطور است؟ این هم تابع آن است. اگر بگوییم آلات معدّه یا متعارفه یکی از ملاک‌های حرمت است، بنا بر آن‌که بگوییم ملاک حرمت فقط همان بردوباخت است، این موضوعیتی ندارد اما اگر گفتیم ملاک حرمت هم بردوباخت و هم آلات معدّه یا متعارفه است آن وقت حکم آلات و ابزاری که به شکل حقیقی انجام نمی‌شود و به شکل مجازی انجام می‌گیرد، چیست؟

حکم مسئله

این‌ها تابع صدق عرفی است اگر عرف عنوان آلات قمار و ادوات و آلات قمار را بر همان چیزی که در اینترنت و در کامپیوتر و این‌ها می‌آید صادق بداند، صدق می‌کند و بعید نیست در مواردی که شبیه‌سازی شده است به آن آلات قمار بگویند. اگر هم شک کند اشکالی ندارد و در مواردی نوع بازی که می‌آید، جنبه آلات معدّه یا متعارفه پیدا می‌کند. دلیل فرع قبلی اطلاق دلیل است دلیلی که می‌گوید قمار اشکال دارد، قمار هم یعنی لعب مع الرهان، در لعب مع الرهان این دو نفر حضوری باشند یا غیرحضوری و از طریق آلات و ادوات معمولی باشد یا از طریق آلات و ادواتی باشد که در کامپیوتر هست در یک زمان باشد یا در مجالس متعدد، این‌ها همه بردوباخت است. لعب هست چون صدق عرفی ملاک است منتهی دو عنوان بیشتر نیست؛ لعب است یا نیست؟ بله. بردوباخت هست یا نیست؟ بله. صدق عرفی ملاک است؟ بله.

سؤال: ؟

جواب: اگر دو نفر بازی کردند و یکی برد، یکی باخت ولو در ۵۰ روز. نبیند که اطلاع ندارد ولی اگر کسی مطلع باشد که این دو نفر توافقی دارند به اینکه او امروز در اینجا از طریق اینترنت یک اقدامی می‌کند و یک ماه دیگر کسی در تبریز در پاسخ این اقدام می‌کند و نهایتاً یکی می‌برد یکی می‌بازد، صدق می‌کند اطلاق دارد وجهی برای انصراف چیزی اینجا وجود ندارد.



سؤال: ؟

جواب: چرا صدق نکند برای این که مصداق بارز آن باشد این طور است - معاذ الله از شأن آقایان اجل است - ایشان در تبریز باهم قرارداد یا توافق نامه نوشتند می گوید من امروز چه می کنم، شما یک ماه بعد چه می کنید یکی می برد یکی می باز، صدق می کند. اگر چنان فاصله بیفتد که عرف دیگر بگوید این بازی واحدی نیست آن هم بعید است برای این که فرض این است که توافق است و یک چیزی می دهند و می گیرند. تا وقتی این باشد می گوید لعب مع الرهان است.

سؤال: ؟

جواب: بله بازی است چون مفروض این است که یک تعهد طرفینی اینجا وجود دارد. فاصله هم افتاده بالاخره این بر مبنای یک تعهد انجام می گیرد ولو در مجلس واحد نیست ولو در زمان واحد نیست ولو به شکل حضوری نیست.

سؤال: ؟

جواب: تمام شدن این چیز به آن امر است عقد که می گویند تمامیتش به آن قبول است.

سؤال: ؟

جواب: اگر آن باشد مؤثر است آلاتی که باید عرف بگوید که چون فرع بعید بحث آلات بود گفتیم اگر عرف بگوید تلقی عرف از این بازی کامپیوتر باید این باشد که این آلات قمار هست؛ یعنی غالباً برای این بکار می رود، معده یا متعارف است باید در عرف صدق کند و بگوید این وسیله قمار است اگر به این حد برسد، اگر شک کنیم به آنجا نمی رسد. بعضی از چیزهایی که هست ظاهراً به این شکل است.

سؤال: ؟

جواب: فرع بعدی رو مبنایی است که بازی با وسائل و آلات این ملاک باشد و بردوباخت دیگر ملاک نیست و ولو اینکه در آن بردوباختی نباشد. این هم فرع دوازده و سیزده که در این خصوص می شود مطرح کرد و به نظر مطلب روشن است.

فرع چهاردهم: حضور در مجلس قمار و مجالست با اهل قمار

فرع چهاردهم موضوع حضور در مجلس قمار و مجالست با اهل قمار است می شود این دو را جدا بگوییم ولی من همه را در یک فرع می آورم چون نمی خواهم خیلی مبسوط بحث کنیم. دو موضوعی که عرض شد، یکی حضور در مجلس قمار، یکی مصاحبت با اهل قمار است و دو عنوانی است که در مطلق معاصی مطرح است دو تا عنوان هست که بین آنها تفاوت است:



- یکی حضور در مجلس معصیت؛

- و دیگری مصاحبت با اهل معصیت و مجالست و مصاحبت با فاسق و فاجر است.

این دو عنوان در ابوابی از فقه مطرح شده است گر چه یادم نمی‌آید که یک کار جامع فقهی انجام شده باشد ولی به صورت پراکنده در فقه مطرح است. قبل از این که به بحث قمار برسیم به صورت کلی اشاره‌ای می‌کنیم بعد در باب قمار این را بحث می‌کنیم. هر دو مسئله به عنوان دو قاعده باید در جای خود به‌طور مبسوط بحث شود، یکی این که حضور در مجالس گناه چه حکمی دارد؟

اگر کسی در مجلسی که گناه انجام می‌گیرد، حضور پیدا کند در مرجوحیت آن شکی نیست، اما این که آیا در اینجا قاعده کلی حرمت داریم یا نداریم، این محل بحث است. من اینجا ادعای تتبع همه بحث را ندارم فقط طرح کلی می‌کنم تا بحث خودمان را که روایت دارد مطرح کنیم.

این یک سؤال است که حضور در مجلس گناه و مجالس معصیت چه حکمی دارد؟ و بحث دوم هم مصاحبت و مجالست با اهل معاصی است که این اعم از قبلی است چون ممکن است مجالست با اهل معصیت شود ولی نه در مجلسی که معصیت می‌شود بلکه انسان فاسد و گناهکاری است و با او مصاحبت و مجالست و هم‌نشینی دارد که این هم درجات متفاوتی دارد از هم‌نشینی یک آدم عادی و معمولی تا آنجایی که رفاقت و دوستی باشد. این دو سه سؤال خیلی جدی است که در مطلق معاصی مطرح است.

ادله وارده در مورد بحث

قبل از این که به بحث اینجا برسیم و ببینیم دلیل خاصی وجود دارد یا ندارد به اختصار و اجمال آنچه می‌شود در کلیت این قاعده گفت گر چه باز استیعاب کامل نیست ولی شاید بشود به اختصار و اجمال به آنچه عرض می‌کنم معتقد بود. قبل از این که اجمال مدعایم را بگوییم روایاتی که با بحث حضور در مجلس گناه مصاحبت و مجالست با اهل معصیت وارد شده است عمدتاً در دو کتاب از کتب فقهی و وسائل است؛ یکی در ابواب امر معروف و نهی از منکر است، وسائل الشیعه ابواب امر به معروف و نهی از منکر. چون این وسائل جلد‌های مختلفی دارند، یک جلد نمی‌گوییم. وسائل قبلی یازده بود ترتیب‌ها به هم خورده است. اینجا امر به معروف و نهی از منکر باب ۷ و ۳۸. روایات این دو سه باب مربوط به بحث است و یکجای دیگر که در ضمن کتاب حج آمده ابواب احکام عشرت است در آنجا هم باب ۱۱ باب ۱۷ باب ۲۷ با همین دو سه موضوع ارتباط دارد و در قرآن هم مجموعه‌ای از روایات است که حضور در مجلس گناه یا مصاحبت و مجالست و رفاقت با اهل معاصی وارد شده است. عمدتاً روایات بحث در این دو موضع است؛ کتاب



امربه معروف و نهی از منکر و کتاب معاشرت و عشرت. کتاب العشرت در وسائل در ذیل کتاب حج است کتاب جدایی نیست که البته شایسته بود که کتب العشرت با این دامنه‌ای که دارد به عنوان یک کتاب مستقل مطرح شود. این ابواب مرتبط با بحث است که در این دو جا یعنی در ابواب عشرت و ابواب امربه معروف و نهی از منکر - بعد آدرس‌ها را عرض خواهیم کرد - در همین دو کتاب روایاتی که مربوط به کلیت بحث است مطرح شده است. البته جداگانه در خیلی از ابواب مسائل و کتب روایی فقهی در خصوص هر یک از گناهان روایات داریم مثلاً حضور در مجلس شرب خمر روایت دارد، در خیلی از گناهان جداگانه روایتی وارد شده از جمله در مورد قمار؛ که همین جا می‌بینید - بنابراین روایاتی که به کل بحث و کلان مسئله در این دو سه موضوع پرداخته در کتاب امربه معروف و نهی از منکر ابواب ۷ تا ۳۸ و چند باب قرار گرفته و روایاتی که در باب ۱۱ - ۱۷ - ۲۷ احکام عشرت آمده است. متفرق در ضمن ابواب دیگر به تناسب و به طور خاص در گناهان دیگر هم با روایاتی مواجه هستیم. این را به عنوان مقدمه عرض کردم.

قاعده کلی

آنچه اجمالاً به عنوان قاعده کلی می‌شود گفت این است که در حضور در مجلس گناه بعید نیست که اطلاقاتی وجود داشته باشد، احتمال و ظن قوی این است که بشود در موضوع حضور در مجلس گناه اطلاقاتی پیدا کرد که همه گناهان را در بر بگیرد و لااقل گناهان کبیره را در بر بگیرد؛ این که کسی در مجلسی حضور پیدا کند که گناه انجام می‌شود لااقل در کبائر با اطمینان می‌شود گفت اطلاق دارد، بعید نیست که اطلاق آن مطلق معاصی را هم بگیرد. این مسئله هم در بعضی از مصادیق آیه شریفه دارد که آیه ۶۷ سوره انعام است «وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا - فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ» بعد دارد «فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِی مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (انعام/ ۶۸) آن البته «وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا» است که یک گناه خاصی را ذکر کرده است ولی روایاتی دارد که همان را در موارد دیگر هم تطبیق و تعمیم داده است. مورد این آیه شریفه خاص است ولی روایتی در ذیل آیه و مستقل از آیه در همین ابوابی که عرض کردم داریم که جلوس در مجلسی که «یعیص الله فیه» را تحریم کرده است به نظر می‌آید در مورد اول اطلاقاتی وجود دارد. علاوه بر اینکه در گناهان خاص هم مکرر و متعدد مثلاً در مجلس شرب خمر وارد شده یا «سب ائمه و اولیاء الله» روایات متعدد دارد که منع می‌کند، روایات مطلق هم داریم. این یک مطلبی است که بعید نیست قاعده کلی باشد که حرمت حضور در مجلس گناه باشد.

سؤال: ؟



جواب: بله اگر بنایی بر بحث داشتیم آن وقت «لا ینبغی» را بحث کنیم که آیا کراهت است یا حرمت؟ ولی از مجموع روایات استفاده حرمت می‌شود. - ما نمی‌خواهیم وارد این شویم والا نیاز به سه چهار جلسه بحث داشت گر چه وارد هم می‌شدیم مانعی هم نداشت - روایاتی داریم که می‌شود از آن قاعده کلی استفاده کرد و حضور در مجلس گناه را منع کرد، البته علاوه بر این قاعده کلی در معاصی ویژه تأکیدات خاصی وارد شده است مثلاً «عند السباب اولیاء الله» خیلی تأکید شده است.

سؤال: ؟

جواب: جنبه فقهی آن بحث خیلی خوبی بود پس بعید نیست مطلقاً این دلیل را داشته باشیم و در گناهان متعددی دلیل خاص دارد. البته این مشروط به یک حدود و شرایطی هست؛ یکی این است که این نخواهد برای امرونیی برود والا اگر کسی بخواهد امر به معروف و نهی از منکر کند این اطلاقات آن را نمی‌گیرد و از این منصرف است. شواهدی هم در الفاظ روایات هست، اگر هم نباشد انصرافی دارد والا بخواهد برای امرونیی برود این ادله آن را نمی‌گیرد.

حکم مسئله

بنابراین حضور در مجلس گناه اگر برای امرونیی نباشد حرمت دارد مطلقاً هم می‌شود قائل به این شد. در خصوص مصاحبت با اهل معصیت، یا رفاقت با آن‌ها تا اندازه‌ای که تتبع و تفحص شد، مگر در موارد خاص حرمت این‌ها دلیلی ندارد. ممکن است گروه‌های خاصی باشد؛ مثلاً مصاحبت اهل بدع و مجالست با آن‌ها که در روایات معتبری هم آمده که می‌گوید هم‌نشین نشوید اینکه بدعت خود را ابراز می‌کند، مجلس، مجلس گناه نیست ولی اهل بدعت است در بدعت یا کسانی که ساب اولیا الهی هستند، بعید نیست که ادله تامی بر حرمت مجالست و مصاحبت با آن‌ها وجود داشته باشد اما عنوان‌های ثانوی است. در مواردی بدون آن عناوین هم دلیل بر حرمت مصاحبت و مجالست هست ولو فی‌المجلس گناهی نکنند اما بعید است قاعده کلی باشد. روایاتی دارد که ضعیف است مثلاً «لا تفید الفایده» مجموعه‌ای از روایاتی هست که می‌شود برای قاعده مصاحبت و مجالست و رفاقت با درجاتی که دارد اقدام کرد که این هم حرام است. منتهی من مجموعه‌ای از روایات را خیلی خلاصه نوشتم «لا تفید الفایده» بعضی «ضعیف» و لذا اثبات قاعده ۳ و ۲ به عنوان یک قاعده کلی محل تأمل است.

سؤال: شر آن است نه عنوان ثانوی‌اش؟

جواب: ما هستیم و قواعد، ادله‌ای که مطلقاً کار به عنوان‌های ثانوی ندارد مصاحبت و مجالست با اهل معاصی آمده ۷-۸ روایت هست، این روایات را که بررسی می‌کنیم می‌بینیم یا ضعیف است یا دلالت بر این مسئله تام نیست. اگر تمام



می‌شد آن وقت جای سؤال بود که ممکن بود کسی بگوید اینجا منصرف به جایی است که موجب تأییدشان باشد یا اینکه انصراف نیست و اطلاق دارد. آن بحث بعدی است البته اگر تمام بود اطلاق می‌شد.

این به لحاظ خود روایات است که اگر تمام بشود ظاهر آن اطلاق است. این روایات که تمام نشود آن وقت به عنوان‌های عام کلیت ندارد گاهی این هم‌نشینی و رفاقت و دوستی منشأ تأیید و تقویت او هست که اعانه بر اثم است و قطعاً حرام است. اگر این طور نباشد دلیل ندارد این که مثلاً دو نفر هم‌نشین شوند همه‌جا دم خور باشند در حالی که او اهل فلان معصیت است ممکن است عناوین ثانوی بر این مترتب شود، ولی دلیل عنوان اولی ندارد. این اجمالی از داستان کلی و قاعده کلی بود.

نتیجه قاعده کلی

- ۱- بعید نیست این طور قائل شد که حضور در مجلس گناه مطلقاً حرام است مگر در امرونی و اضطرار؛
 - ۲- کراهت مجالست با اصحاب گناه و اهل معصیت ثابت می‌شود، ولی حرمت ندارد مگر در موارد خاص؛
 - ۳- بحث رفاقت است نه صرف هم‌نشینی. آن هم دلیل مطلق وجود ندارد مگر در وارد خاص
 - ۴- در دوم و سوم عناوین ثانویه‌ای باشد که موجب حرمت عمل شود یا موارد خاصی باشد مثل اهل بدعت که دلیل داریم یا عناوین دیگری باشد که آن را تحریم کند البته کراهت آن در مورد دوم و سوم بعید نیست.
- سؤال: ؟

جواب: نه همان کراهت است، ادله همان مرجوحیت است منتهی نتیجه آن کراهت است. این اجمالی از آن بحث که -قرار من بر ورود نبود گرچه کار کردم و روایات و ادله را نوشتم - بحث خوبی است و می‌گذریم.

جمع‌بندی فرع سیزدهم و چهاردهم

آنچه در فرع ۱۳ و ۱۴ می‌خواستیم عرض کنیم این است که ببینیم در موضوع خود ما قضیه از چه قرار است؛ یعنی کسی که اهل قمار محرم است. حضور در مجلس قمار و مصاحبت و رفاقت با شخصی که اهل قمار است چه حکمی دارد؟ اگر دلیل خاص نداشتیم تکلیف روشن بود و قاعده کلی مشخص بود؛ مورد اول حرام است، مورد دو و سه حرام نیست. در اینجا دلیل خاص هم داریم که نتیجه نهایی آن همان قواعد عامه هست و چیز خاصی از آن بیرون نمی‌آید، ولی مرور کنیم.



ادله روایی فروع سیزدهم و چهاردهم

روایت اول: روایت حماد بن عیسی

روایاتی که مربوط به این دو سه موضوع در باب قمار است در باب ۱۰۳ در ابواب ما یکتسب به محور بحث ما در مکاسب محرمة است از باب ۱۰۱ تا ۱۰۴ ابواب مربوط به قمار است عنوان باب ۱۰۳ این است «تحریم الحضور عند لاعب بالشطرنج و السلام علیه و بیعه و شراعه و اکل ثمنه و اتخاذه و نظر الیه و تقلیده»

اولین روایت باب این است - مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصَرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ فَقَالَ لَهُ: «جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَقْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ» می‌نشینم نگاه می‌کنم خودم بازی نمی‌کنم که این هم خیلی مصداق دارد؛ یعنی در بسیار از موارد دو نفر بازی می‌کنند دیگران تماشاچی هستند «فَقَالَ مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ أَهْلُهُ»^۱ تو چه کار داری به مجلسی که خدا به اهل آن نگاه نمی‌کند.

بررسی سندی و دلالی روایت

این روایتی است که در باب قمار و حضور در مجلس لعب به شطرنج وارد شده است این روایت از نظر سند معتبر است یعنی ابهامی در آن نیست جز ابراهیم بن هاشم که بارها بحث کردیم و گفتیم از سه چهار طریق می‌شود آن را تصحیح کرد و طریق درست اینکه از مشاهیر است و نمی‌شود ایشان را با آن جلالت شأن کنار گذاشت و قدحی... در باب او وارد نشده و همین برای وثوق در مشاهیر کافی است؛ اما از نظر دلالت در این که موضوع همین موضوع ما است بحثی نیست، ابتدا ممکن است که به ذهن بیاید «أَقْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ» مجالست با خود آنها است نه گناه ولی در ادامه می‌گوید «وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ» این معلوم است در همان مجلس گناه می‌شود و لذا موضوع همین موضوع حضور در مجلس قمار و مجلس شطرنج است.

آنچه در بحث دلالی این روایت مهم است این است که در «مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ أَهْلُهُ» دو احتمال است:

۱- یک احتمال این است که دلالت بر حرمت کند؛

۲- احتمال دوم این که این مفید کراهت باشد «مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ أَهْلُهُ» یعنی ارتباط نداشته باشی، بهتر است.

^۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۳۲۲.



این دو احتمال در اینجا هست - گر چه اظهر است نه اینکه خیلی بشود کامل روی آن ایستاد- اما اظهر همان احتمال حرمت است یعنی یک نوع توبیخ هست، توبیخ و خطاب تو را با این چه کار، یعنی نوعی توبیخ و خطاب و عتاب را متوجه او می‌کند و این توبیخ و عتاب هم مثل زجر و نهی است که وقتی مطلق باشد با قرائن حکمت و مقدمات حکمت حمل بر حرمت می‌شود.

سؤال: ؟

جواب: نه از اصحاب ویژه نبوده می‌گوید «دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصْرِيِّينَ» حماد بن عیسی نقل می‌کند که «دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصْرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع» از بصره آمد و این طور سؤال کرد حضرت گفت «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ» یعنی توبیخ می‌کند که این چه کاری است می‌کنی. این دلالت التزامی بر نهی دارد یعنی ما به دو وجه می‌گوییم که بین این دو احتمال اظهر حرمت است: یکی اینکه ظهور این عتاب و خطاب با مقدمات حکمت این است که نسبت یک امر محرمی است؛ وجه دوم این است که «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ أَهْلُهُ» کنایه از این است که یعنی این کار را نکن. کنایه باشد، نهی است، اگر نهی نباشد و خودش باشد دلالت بر حرمت می‌کند و لایبعد که بگوییم کنایه از یک نوع نهی است که آن هم مفید حرمت می‌شود. روایتی که در حضور در مجلس داریم این روایت است که سند آن درست است دلالت هم بعید نیست و مطابق با قاعده کلی است که حرمت حضور در مجلس گناه است. پس در باب قمار علاوه بر قاعده کلی که بعید نیست تام باشد، اینجا را می‌گیرد دلیل خاص هم دارد که حضور در مجلسی که قمار می‌شود، اشکال دارد و البته این هم نبود قاعده عام این را می‌گرفت منتهی این موجب تأکد و اطمینان بیشتر می‌شود.

سؤال: ؟

جواب: انظر یعنی حضور دارم و تماشاچی هستم، من هم حضور دارم ذیل حضور یکی دو نکته می‌گوییم یکی این است که اگر حضور فیزیکی دارد ولی تماس ندارد، بحثی می‌کنیم. ان شاء الله و صلی الله علی محمد و آله الاطهار.